

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۳۱ می ۲۰۲۰

علل و انگیزه های رفتن "محب" بر بالای قبر "نجیب"!

۲

شنبه - ۱۰ جوزای ۱۳۹۹ - کابل:

۲- دومین دلیل که مطمئناً درصد نقش آن از دلیل اولی بیشتر است برمی گردد به تعهدات انتخاباتی "غنی احمدزی"، قبل و بعد از برگزاری بالماسکه انتخابات.

با در نظر داشت این واقعیت که "غنی احمدزی" حتا در بین جواسیس تکنوکرات هم در مقایسه با سایر همقطاران و هم مسلکان وطنفروش، منفورتر و تجرید شده تر از دیگران بود و است، شرکت دادن وی در نمایش بالماسکه انتخابات، خود به خود ایجاب می نمود، تا وی چه قبل از برگزاری آن بالماسکه و چه هم بعد از افتتاح جریان رایگیری و روزها، هفته ها و ماه های بعد از آن، با تمام آنهایی که می توانستند با وی کنار آیند وارد معامله شده، به شکلی از اشکال طیف جواسیس تکنوکرات فعلی و جواسیس باقی مانده از حاکمیت مزدوران روس را مقابل اسلام سیاسی و نمایندگان سیاسی آن در وجود "گلبدین" و "عبدالله عبدالمود" و بقیه بسیج نماید.

تشکیل چنین طیف وسیعی نمی توانست بدون تعهدات چند لایه با تمام آنها صورت گیرد. یکی از طیف هائی که در همین مدت از رقابت با "غنی احمدزی" دست کشیده و دست دوستی و همکاری با یک دیگر دراز نمودند، بقایای باند های خلق و پرچم و طفل گورزاد آنها به اصطلاح "حزب وطن" دست ساخت "داکتر نجیب" و شاخه های منشعب از آن بود.

"غنی احمدزی" به همان سان که با "عبدالمود" و باندش تعهد نامه امضاء نمود و در آن جهت بقای خودش به پایه تجزیه افغانستان رسمیت بخشید، با تمام باند های دیگری که در پروسه انتخابات کذائی شرکت داشتند و در کنارش ایستادند، تعهداتی به امضاء رسانیده است. از جمله با بقایای به اصطلاح "حزب وطن" از جمله "علمی" و تعدادی از کادر های آن حزب در ولایت ننگرهار و پکتیا.

هرچند این تعهدات علنی نشده، مگر می توان با اطمینان نوشت که یکی از مواد آن تعهدات، تعهد "غنی احمدزی" از موضع و موقف به اصطلاح رئیس جمهور افغانستان به احیای شخصیت حقوقی باند های خلق و پرچم و رفع محکومیت تاریخی افراد و اعضای جنایتکار و وطنفروش آن باند ها می باشد.

در این جا نکته ای که مطرح است و برای آنانی که رفتن "محب" بر بالای قبر "نجیب" از نظر آنها، زیر پای نمودن خون میلیونها جانباز و جانبخته خلق ماست که همه به وسیله مزدوران روس در مسلخ استبداد استعماری آنها به قتل رسیدند می بایست اولتر از همه مطرح می شد، جبهه سازی ها، اتحاد ها و پیروی از شعار هائیسست که "غنی احمدزی" چه قبل از بالماسکه انتخابات و چه هم بعد از آن، همراه با باند های خلق و پرچم نموده، با گرفتن دست آنها و مجدداً به قدرت رساندن شان، خواست پایه های حاکمیت خودش را محکم نماید.

به عبارت ساده تر: آنهایی که امروز رفتن "محب" بر بالای قبر "نجیب" را بدرستی انتقاد می نمایند، می توانند بنویسند زمانی که وحدت و یکپارچگی جنایتکاران مخفی و علنی باند های خلق و پرچم را با "غنی احمدزی" دیدند کجا تشریف داشتند تا آن وحدت ها و همکاری ها را نیز بشدت انتقاد نمایند.

به نظر من "محب" کار زیادی انجام نداده بلکه بعد از خوردن چتلی، قاشقش را به کمرزده و در انظار ظاهر شده است، کاری که باعث شده تا چشم تعدادی را باز نموده واقعیت حاکمیت "غنی احمدزی" را به آنها نشان دهد، امری که می باید از آن بابت، از وی ممنون نیز شد.

ادامه دارد